



تنهایی پریاهوی زنانه

درباره نمایش «امان» به کارگردانی مجتبی جدی



محمدحسن خدایی
منتقد تئاتر

گویی در ظاهر امر، زنان نمایش «امان» بر گرد یک سفره نشسته و بنابر ضرورتی نامکشوف، برای یکدیگر درد دل می‌کنند و تمنای همدلی دارند. اما هرچه به پیش می‌رویم این واقعیت تلخ و غریبان، بیشتر عیان می‌شود که شوربختانه در این مکان برزخی، با تمام تقلاهای بشری، خبری از همبستگی زنانه نیست و تک‌گویی هذیان‌وار این زنان چادرپوش، بیش‌وکم نشانه‌ای است از بدن‌هایی منفرد که از سر استیصال، مشغول به روایت کردن سرگذشت غمبارشان برای همه‌و هیچ‌کس هستند.

عباس جمالی در مقام نمایشنامه‌نویس، به تاریخ معاصر ما می‌پردازد و توأمان، یک وضعیت متناقض از عاملیت و سرکوب زنانه را به میانجی حضور پنج زن با هویت‌های اجتماعی متفاوت صورت‌بندی می‌کند. جمعی از زنان جوان و میانسال، سرگردان میان دوران مدرن و سنت‌های گذشته، که معلوم نمی‌شود در این فضای کم‌پوییش انتزاعی چرا حضور دارند و این چنین از خود برای خود و دیگران می‌گویند. نام‌هایی چون زهره، فاطمه، شهره، هنگامه و شیرین که می‌تواند همچنان ادامه یابد و روایتگر گوشه‌ای از تاریخ شفاهی زنان این سرزمین باشد در نمایشنامه «امان» مشاهده می‌شود. به هر حال استراتژی نمایشنامه، کنار هم قرار دادن زنانه‌ای است از وضعیت‌های مختلف اجتماعی که در یک چشم‌انداز کلی تحت ستم گرفتار گرفته‌اند اما در نهایت و بنابر گفتاری که بر زبان می‌آورند به‌تمامی واجد معصومیت زنانه نیستند و در این ساختار معیوب، می‌توانند خود جزئی از مکانیسم سرکوب باشند. چه با انفعال و همراهی آنان، چه با مقاومت نابجا و بی‌موقع‌شان، این چرخه خشونت و انقیاد، می‌تواند بازتولید شود و زنان و مردان بیشتری را قربانی کند.

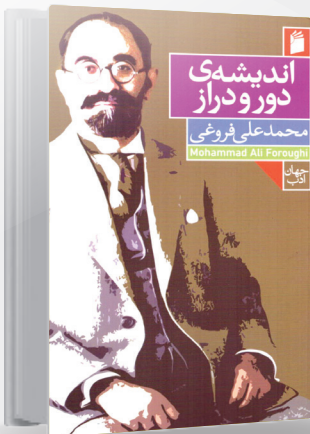
به لحاظ اجرایی، مجتبی جدی در جایگاه طراح و کارگردان، تلاش دارد مناسبات متن نمایشنامه را به اینجا و اکنون ما نزدیک کند. در این معاصر کردن نمایشنامه «امان» که از قضایای متن‌های معاصر زمانه ماست، کارگردان ترجیح داده ترتیب نمایشنامه را چنان تغییر دهد تا گفتار پایانی مربوط باشد به زنی چون شهره که از دل یک گفتار ایدئولوژیک، به دیگر زنان تذکار می‌دهد که مراقب وضعیت فاسد کنونی باشند و با ادعیه خواندن و ذکر گفتن، راهی به نجات و رستگاری بیابند. از این منظر، انتخاب مجتبی جدی در این شکل از پایان‌بندی، تاکیدی است بر این واقعیت مهم که در وضعیت دشوار این روزهای جامعه، همچنان یکی از راهکارهای توده مردم برای تاب‌آوری توسل به مناسک مذهبی است و التزام به رعایت آداب دینی. دعای امان اینجا به‌مثابه استعاره‌ای از اتصال با امر والا و باور مندی به شاعر مذهبی جلوه می‌کند و بدیلی است در مقابل انبوه گفتارهای موفقیت‌وروشناسی دوران حرمان و عسرت.

صحنه نمایش چنان تدارک شده که حس از آشنایی و غریبگی همزمان را تداعی کند. کف سالن هامون با نظمی مثال‌زدنی پر شده از استکان‌ها و نعلبکی‌های ایرانی که قرار است در ادامه جا‌جا شده و در صورت نیاز، پر از مایعات شود. زنان نمایش در فاصله یا نزدیکی با این اشیاء از همان ابتدای نمایش، پوشیده در چادر مشکی، در این مواجهه اخلاقی با شخصیت‌ها، نسبت به هر کدام از این سوز‌های انسانی قضاوت می‌کنند و از خود همدلی یا مفارقت نشان می‌دهد. مجتبی جدی ترجیح داده دینامیسم درونی نمایش را به شدت کنترل کند و همچون یک مهندس سختگیر، همه چیز را در جایی که احساس می‌کند درست است قرار دهد. بنابراین جای تعجب نخواهد بود که اجرا چندان به امر بداهه گشوده نباشد و تن به مدیریت تمام‌عیار دهد.

بازگرانی چون زینب ایزدپناه، مهسا بهروری، نازنین حشمدار، سمیرا زاتری و یاسمن نصیری به خوبی توانسته‌اند در خدمت اجرا باشند و حضور زنانه شخصیت‌ها را با تمام سرکوب‌ها و تخطی‌ها رویت‌پذیر کنند. نمایش امان بیش از آن که مبتنی بر حرکت باشد، به سکوت و ایستایی تمایل دارد و شیوه اجرایی که کارگردان به کار گرفته، در خدمت تعادل بخشی به این تضاد دیالکتیکی مابین کنش و امتناع است. نمایش «امان» به زنان می‌پردازد و با غیاب بدن مردانه، سرکوب و سوزگی زنانه را از نو به امری بحرانی بدل می‌کند. حتی در زمانه‌ای این چنین سکولار که دعای امان خواندن می‌تواند برای عده‌ای نامأوس شده باشد.

رسد آدمی به جایی

گزارشی از پیش‌بینی‌های محمدعلی فروغی درباره ظهور انسان و اجتماع نوین



معرفی کتاب

اندیشه دور و دراز نویسنده:

محمدعلی فروغی
انتشارات: نشر فرمهر
قیمت: ۷۵ هزار تومان



فرزاد نعمتی
خبرنگار گروه فرهنگ

احتمالاً یکی از جذاب‌ترین قسمت‌های پژوهش علمی برای اکثر آدم‌ها، پیش‌بینی آینده است. راه دور نرویم. دو، سه دهه پیش یکی از جذاب‌ترین کتاب‌هایی که ما به دنبال خواندن‌شان بودیم، داستان‌های علمی-تخیلی ژول ورن بود. پیش‌بینی البته با پیشگویی تفاوت دارد. پیشگویی بیشتر به امری متافیزیکی می‌ماند که طی آن فرد خیال‌پرورانه، آمال و آرزوهای خود را بیان می‌کند یا از عالم غیب خبر می‌دهد. پیش‌بینی اما باید مبتنی بر شواهد و حدسیات قابل ابطال باشد و در آن محقق به ما بگوید باتوجه به وضع موجود، امکانات در دسترس و روند تحولات پیش رو، می‌توان انتظار داشت در آینده دور یا نزدیک چه اتفاقاتی روی بدهند یا چه اختراعاتی به ثبت برسند.

تاریخ علم آکنده است از چنین پیش‌بینی‌هایی. نمونه‌اش نیکولا تسلا که در سال ۱۹۲۶ اختراع تلفن‌های هوشمند را پیش‌بینی و از این صحبت کرد که در آینده ما انسان‌ها می‌توانیم در لحظه و فارغ از بُعد فاصله، با یکدیگر ارتباط برقرار کنیم و از طریق تلفن و تلویزیون یکدیگر را به همان وضوحی ببینیم که در ملاقات‌های رودررو می‌بینیم. خب امروز این پیش‌بینی تسلا به یکی از ساده‌ترین ابزارهای موجود در دسترس بشر تبدیل شده که همانطور که تسلا نیز می‌گفت: «می‌توان آن را درون جیب یک جلیقه حمل کرد.»

از کتاب صوتی تا مدارس آنلاین

رساله کوچک «اندیشه دور و دراز» را می‌توان نسخه‌ای ایرانی از پیش‌بینی‌های علمی دانست که در سال ۱۳۰۶، محمدعلی فروغی، روشنفکر، دولتمرد و ادیب ایرانی آن را به رشته تحریر درآورده و در آن از برخی تحولات علمی آتی ممکن برده برداشته است؛ از کتاب صوتی و پیام صوتی تا پیام تصویری و مدارس آنلاین. فروغی این پیش‌بینی‌ها را در بستر نقدی که به مدارس و کتاب‌های نوشتاری دارد، مطرح می‌کند و برای نمونه می‌گوید تصور کنید خواندن کتاب چه آسیب‌هایی به چشم انسان می‌زند؛ حال آنکه این معضل را می‌توان با کتاب‌های صوتی رفع کرد: «چه مانعی دارد چنانکه امروز نغمات را در گرامافون ضبط می‌کنند رسالات و مؤلفات را ثبت نمایند و هر کس می‌خواهد کتاب مطالعه کند به جای اینکه به چشم بخواند، به گوش بشنود؟»

فروغی همین نگاه را به سایر موارد نیز تعمیم می‌دهد. می‌نویسد: «نامه، کتابی است مختصر و کتاب، نامه‌ای است مطول؛ چه مانع است که با گرامافون ثبت شود؟» در بخش اول این رساله و در ادامه همین نگاه، از تکمیل تلفن بی‌سیم اظهار خوشوقتی می‌کند و آثار این تکمیل را در تشکیل مدارس آنلاین پیگیری می‌کند: «فکر می‌کنم بعد از آنکه تلفن بی‌سیم کامل و سهیل و ارزان شد، چنانکه همه‌کس بتواند داشته باشد و یقیناً چنین خواهد شد، آن وقت لزومی نخواهد داشت معلمین برای استماع درس معلمین در جای مخصوص که مدرسه یا محل کنفرانس نامیده می‌شود، جمع شوند و برای این مقصود از شهر به شهر و دیار به دیار روند؛ در خانه خود می‌مانند و در موقع معین با تلفن، بیان معلم را می‌شنوند.»

انسانی جلاک‌تر از پرندگان

بخش دوم این رساله اما به‌مراتب از این نیز جذاب‌تر است؛ هرچند هنوز پیش‌بینی فروغی محقق نشده است. او در این

گولاگ، آشویتس، درسدن، راه‌آهن برمه، هیروشیما، ویتنام، انقلاب فرهنگی چین، کامبوج، رواندا، فروپاشی یوگسلاوی. این‌ها، نام‌های دیگری را برابمان تداعی می‌کنند. به‌دلیل این تاریخ، اندیشیدن درباره‌ی اخلاق مانند گذشته سخت است (یا باید باشد).

کتاب «انسانیت: تاریخ اخلاقی سده‌ی بیستم» تلاشی است برای گردآوری اخلاق و این تاریخ. موضوع این اثر تاریخ اخلاقی نسل بشر در قرن بیستم است. اما «انسانیت» به معنای دیگری نیز به کار می‌رود که در تقابل با غیرانسانی بودن قرار می‌گیرد. یکی از اهداف کتاب کاوش و گسترش مفهوم انسانیت است.

جاناتان گلور نویسنده‌ی این کتاب با ارائه‌ی نمونه‌هایی همچون جنگ سنگرها در جنگ جهانی اول، کشتارهای دوران استالین در شوروی، پل پت در کامبوج و مانو در چین، خصوصیت‌های قبیله‌ای و نسل‌کشی در رواندا، بمباران هیروشیما و ناکازاکی و موارد متعدد دیگر نشان می‌دهد که قبیله‌گرایی و ایدئولوژی‌هایی همچون نازیسم و استالینسم، مانوئیسم و سایر باورهایی که به دنبال خلق انسان مطیع و فرمانبردارند چگونه می‌توانند توجیه‌گر قساوت‌های گسترده باشند.

پروژه بحث در مورد تاریخ اخلاقی اخیر نژاد بشر ممکن است تا حدی جاه‌طلبانه به نظر برسد، اما ارزش آن را دارد که به‌طور همزمان برخی از محدودیت‌ها را نشان دهدیم. این تاریخ در قسمت‌های مورد بحث بسیار انتخابی است. برخی از مکان‌ها (هند و بسیاری دیگر) یا بسیار گذرا اشاره شده‌اند یا اصلاً به آن‌ها اشاره‌ای نشده است. این موضوع به خاطر این نیست که تاریخ بر خسی از بخش‌های بشریت بی‌اهمیت است، بلکه نشان‌دهنده‌ی محدودیت‌ها و نبود اطلاعات به خوبی مستند شده است.

می‌دهد که هیچ قلمرویی نیست که در آن تنها شادی باشد و بس، بی‌هیچ زنجی و شاد بودن مستلزم این نیست که تمام‌رنج‌ها به پایان برسند. ما با غم‌ها، رنج‌ها و پریشانی‌هایمان همان کاری را می‌کنیم که حیوانات نشخوارکننده با غذایشان می‌کنند. جویدن، بلعیدن، بالا آوردن و سپس دوباره خوردن آنها، نویسنده توصیه می‌کند به خشم‌تان چنان بنگرید که گویا به کودک‌تان می‌نگرید. آن را پس نزنید و از آن متنفر نباشید. آنها که مشتاقند زندگی شادی داشته باشید و بیاموزید که رنج‌های خود را کنترل کنید، بدون شک کتاب خاصی از بهترین گزینه‌هاست. در زندگی هر یک از ما بر خسی بیماری‌ها ریشه در رنج‌های خودمان دارند، اما بر خسی از آن‌ها از اجدادمان به ما منتقل شده‌اند. به ساقه ذرت بیاندیشید که از رویش یک دانه پدید می‌آید. هر خوشه و برگ ذرت، طبیعت آن بذر نخستین را در بر دارد. در مورد تک‌تک سلول‌های گیاه نیز همین‌طور است. دقیقاً همان‌طور که گیاه ذرت دنباله‌بذر ذرت است، آدم‌ها هم دنباله‌والدین خود هستند. هنگامی که عکس پنج‌سالگی خود را می‌بینید، ممکن است از خودتان بپرسید: «آیا همان کسی هستم که در کودکی بودم؟» نمی‌توان با «بله» یا «خیر» به این سوال پاسخ داد. به عبارت دیگر آنچه اکنون هستید یعنی ظاهر، احساسات، حالات روانی، ادراک‌واگاهی شما با زمان کودکی‌تان خیلی تفاوت دارد. واضح است که شما دقیقاً همان فرد، آن کودک پنج‌ساله، نیستید. البته اگر بگویید فردی «کاملاً» متفاوت نیست به آن دوران هستید، در اشتباهید. آنچه اکنون هستید دنباله همان کودک است. به‌جز مقدمه علمی امیرآبادی مترجم کتاب، این کتاب در چهار فصل به ترتیب به هنر دگرگون کردن رنج‌ها، سلام کردن به رنج‌ها، عمیق‌نگریستن به رنج‌ها و در نهایت به آسودگی می‌پردازد. نویسنده «نیلوفر و مرداب» در پی این است که قدرت انعطاف‌پذیری و تاب‌آوری را در مخاطبانش افزایش دهد و با ابزارهای ساده‌ای مانند ریلکس کردن، تنفس آگاهانه، هنر عشق‌ورزی و... توانایی آن‌ها را در مواجهه با رنج‌ها و سختی‌ها تقویت کند.

ردیابی معنای زندگی صرفاً یک مطالعه‌ی فلسفی خشک نیست، بلکه سفری است که به‌طور چشمگیری ظرافت جست‌وجوی معنا را بر جسته می‌کند که در طول مسیر به تدریج آشکارتر می‌شود که چگونه می‌توان معنای شخصی را در تپش‌های زندگی روزمره یافت. او در این کتاب به پرسش‌هایی از این دست می‌پردازد: آیا معنای زندگی اساساً کشف‌شدنی است یا آفریدنی؟ اگر کشف‌شدنی است، به چه روشی می‌توان آن را کشف کرد؟ اگر آفریدنی و جعل‌کردنی است، آیا برای ابداع معنای زندگی قیدوبندی وجود دارد، یا هر معنایی را می‌توان برای زندگی جعل کرد؟ نسبت معنای زندگی با اخلاق چیست؟ آیا معنای زندگی واحد است یا متعدد؟ آیا معنای زندگی همگان یکسان است یا معنای زندگی افراد می‌تواند متفاوت باشد؟ اصلاً ضرورت (منطقی یا اخلاقی یا روان‌شناختی) زندگی معنا دار در چیست؟ چرا نتوان زندگی بی‌معنا داشت؟

این کتاب نه‌تنها برای محققان فلسفه، بلکه برای خوانندگان عمومی است که مایلند ببینند چگونه نگرانی‌های شخصی آنها در تفکر فلسفی مدرن بازتاب می‌یابد. این کتاب بیش از تشریح یک سفر، نقشه‌ای از اضطراب‌ها و معماهایی است که همه‌ی ما با آن روبرو هستیم و به ایده‌هایی اشاره می‌کند که می‌توانند خوانندگان را در جست‌وجوی معنای انسانی کنند. کتاب با مؤخره‌ای با عنوان «حکمت انسان تنگ‌دست»، تعبیری برگرفته از کتاب جامعه در عهد عتیق، به پایان می‌رسد.

این کتاب نه‌تنها برای محققان فلسفه، بلکه برای خوانندگان عمومی است که مایلند ببینند چگونه نگرانی‌های شخصی آنها در تفکر فلسفی مدرن بازتاب می‌یابد.